

تجلی ماه و خورشید در خیال و اندیشه شاعران، با تکیه بر شعر نظامی

دکتر علی اکبر کمالی نهاد

استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران.

معصومه عباسی

مدرس دانشگاه (دولتی و مؤسسات آموزش عالی) (نویسنده مسئول)

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۲)

چکیده

ادبیات، در هر فرم و قالبی که باشد، بیان‌گر پاره‌ای از ارزش‌ها و اندیشه‌هایی است که زندگی فردی و اجتماعی انسان بر محور آن‌ها می‌چرخد و در شکل‌گیری این ارزش‌ها و باورها مسائل بسیاری دخالت دارد. «ماه و خورشید» از جمله عناصری بود که بن‌مایه مضامین و تصاویر شعری شاعران را می‌ساخت. این دو سیاره درخشان، از دیرباز مورد احترام آدمیان بود و ریشه در اعتقادات و باورهای ملی و مذهبی آنان داشت. بعضی از شاعران آگاهی‌هایی در حدّ عامّه مردم داشتند، اما برخی از آن‌ها از اطلاعات دقیق نجومی برخوردار بودند. خاقانی، منوچهری، و نظامی، از جمله شاعرانی بودند که علاوه بر علوم دیگر، در علم نجوم نیز دست داشتند و بازتاب صریح باورهای نجومی، از جمله ماه و خورشید، در اشعارشان دیده می‌شود. این مقاله به چگونگی تأثیر این دو صورت فلکی بر زندگی انسان و سایر موجودات و بیان دیدگاه‌های شاعرانه نظامی، با استناد به شواهد موجود در شعرش، می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ماه، خورشید، زمین، پدیده‌های کیهانی، انسان.

(۱) مقدمه

۱-۱- بیان مسأله:

اینکه کُرَاتِ نورانی چه هستند و چه تأثیری در سرنوشت انسان دارند، از جمله سؤال‌هایی است که پیوسته ذهن بشر را به خود معطوف داشته است. جست‌وجوی پاسخ این پرسش‌ها، انگیزشِ ایجادِ علمِ نجوم را سبب شد، چون تولدِ طبیعی‌ترین دانشِ بشری، یعنی اخترشناسی، در نتیجه این کاوش‌ها بود. گفتنی است خاستگاه علم ستاره‌شناسی شرق و عاملِ صدورِ آن به غرب بود.

مردم خورشید را منشأ خیر و برکت و رزق و روزی می‌دانستند و به خورشید با دیده احترام می‌نگریستند و معتقد بودند که خداوند متعال، هنگامِ خلقِ جهانِ آفرینش، به خورشید عنایت ویژه‌ای داشته و در حقیقت، نورِ خورشید نورِ الهی است. مردم خورشید را فرمان‌روای بی‌چون و چرای آسمان می‌دانستند که با جاذبه خود سیاراتِ دیگر را در مدارهایشان به حرکت درمی‌آورد. هم‌چنین، با نگاهی حاکی از تعصب و تقدس، معتقد بودند که سیاراتِ دیگر، از جمله زمین، به دورِ خورشید در حرکت و درحالِ ستایشِ خورشید است؛ چرا که زندگیِ خود را وام‌دارِ خورشید است و با نبودش زوال و نابودیِ آن حتمی است.

رخش به هرا بتاخت بر سر صفر آفتاب رفت به چرب‌آخوری گنج روان در رکاب

(دیوان خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۲)

(در احکامِ نجوم، صفر رقمِ برجِ حمل است.)

از شواهدِ شعری برمی‌آید که خاقانی نیز، همانند مردم، دل‌باخته این قرصِ تابان، دست به ابداعاتِ خیال‌انگیزی می‌زند. او خورشید را هم‌چون رخسِ چابک‌سواری می‌داند که از راه دور، به برجِ حمل رسیده و آن‌جا برای مدتی اتراق می‌کند. ره‌آوردِ سفرش نیز، شکوفه‌ها، نباتاتِ بهاری و گل‌های رنگارنگی است که عطرآشانی می‌کند. در واقع، شاعر خورشید را منشأ خیر و برکتِ زمین و موجوداتش می‌داند. خاقانی، با نگاهِ جامعه‌شناسانه، به دنبالِ تحلیلِ باورهای اجتماعی و مذهبی و یافتنِ دلایلِ علمی برای اثباتِ این فرضیه‌هاست.

همواره دو نظریه دربارهٔ سیارات در میانِ منجمان مطرح بوده است و ستاره‌شناسان در خصوص آن دو

نظریه با یک‌دیگر اتفاق نظر دارند:

الف. نظریهٔ زمین مرکزی

ب. نظریهٔ منظومهٔ شمسی

از نظرِ اخترشناسانِ قدیم، زمین محورِ جهانِ هستی بود و هفت فلک، مانند لایه‌های پیاز، اطراف آن در تجمع بود. ستاره‌شناسان بر این باور بودند که زمین در مرکز این لایه‌ها قرار دارد. نظریهٔ بطلمیوس و شاگردانش در این زمینه (بین سال‌های ۱۷۰ تا ۱۷۵ میلادی) و تألیفِ کتابی به نام «مَجَسَطی» به ایجادِ نظریهٔ «زمین

مرکزی» منجر شد. او کسی بود که چهارده قرن، دانش نجوم را تحت سیطره و نفوذ نظریات خود نگه داشت؛ زیرا بعد از او کسی نبود که بتواند این نظریه را نقض کند. اما با ظهور دانشمندی، مثل کپرنیک و نیوتون، اوضاع دگرگون شد. چون - باتوجه به شرایط اجتماعی و اعتقادی جامعه آن روزگار - کسی جرأت بیان عقیده و روبه‌رو شدن با کلیسا را نداشت و نظر کلیسا نظریه حاکم محسوب می‌شد. اما کپرنیک جوان توانست علی‌رغم مخالفت‌های بسیار، عقیده خود را بیان و به اثبات برساند. مطابق نظریه مذکور، که به منظومه شمسی معروف است، خورشید سیارات را در مدارهایشان به حرکت درمی‌آورد و آن به دور خورشید می‌چرخد که زمین نیز یکی از آنهاست. «ماه، پس از خورشید، روشن‌ترین و مانوس‌ترین جرم آسمانی است و این دو قرص سرد و گرم، نزد ستاره‌شناسان، به «نیرین» موسوم و در روزگاران بسیار دور مورد پرستش برخی اقوام قدیم بود. (ماهیار، ۱۳۸۲: ۱۸۴)

بدون شک، در میان اجرام آسمانی، خورشید نخستین و ماه دومین جرم روشنی است که از دیرباز، در شعر و ادب فارسی، از جایگاه والایی برخوردار است. دوست داشتن‌ها، خشم گرفتن‌ها، غم‌ها، شادی‌ها، خودستایی‌ها، عیش، تنگ‌دستی، و باورهایی از این دست اعتقادات، تاریخ اجتماعی مللی را رقم می‌زدند که ریشه در افکار کهن داشتند. در این میان، شاعران به مثابه تاریخ‌نگارانی بودند که وقایع تلخ و شیرین را با نکته‌سنجی‌های دقیق در اشعارشان، منعکس و جاودان ساختند. خاقانی، نظامی، و منوچهری، از جمله شاعران نام‌آوری هستند که سهم زیادی از این اندوخته‌ها دارند. تحلیل و بررسی این زمینه در شعر نظامی گنجوی ما را با برخی از اعتقادات و اندیشه‌های مردم ایران در مورد اجرام آسمانی آشنا می‌کند.

۲) پیشینه تحقیق

پیش‌تر از این، در خصوص اهمیت علم نجوم و رویکرد پدیده‌های کیهانی در عرصه ادبیات، بزرگانی چون دکتر عباس ماهیار در «از ثری تا ثریا»، دکتر میرجلال‌الدین کزازی در مجموعه مقالات «آب و آینه» و «پرنیان پندار»، دکتر ابوالفضل مصفا در «فرهنگ اصطلاحات نجومی»، «از پیدایش تا مرگ خورشید» اثر ژرژ گامورف، و بالاخره «فوق طبیعت» نوشته لیال واتسن آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشتند. اما موضوع مهم این مقاله، یعنی اثرات متافیزیکی ماه و خورشید، روی موجودات کره زمین و تصاویر شاعرانه آن در شعر نظامی، در پژوهشی دیده نشده است.

پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات ماه و خورشید و تحلیل ریشه‌های اعتقادی و فرهنگی مردم و انعکاس این باورها در زندگی افراد از دریچه نگاه برخی از شاعران، به ویژه نظامی، می‌پردازد.

(۳) فرضیه تحقیق

این مقاله به چرایی و اثبات پرسش‌هایی می‌پردازد که همواره ذهن انسان را از ابتدا تاکنون به خود مشغول داشته است. اینکه چرا حجامت نباید، در زمانی که ماه قرص کامل شده است، اتفاق بیفتد؟ چرا با کامل شدن ماه، تأثیرات سوء روان، بر بیماران روانی، افزایش می‌یابد؟ چرا با ادامه فعالیت‌های خورشیدی، زندگی موجودات زمین تحت الشعاع فعالیت‌های حاصله قرار می‌گیرد و در نهایت اینکه نور ماه چه تأثیری در ایجاد رنگ‌دانه‌های موجود در گل‌ها، گیاهان، و میوه‌ها دارد؟ و سؤالاتی دیگر... این‌ها مسائلی است که با زندگی انسان عجین شده، بدون اینکه بدانند چرا؟ در این مقاله سعی شده، با آوردن مستندات علمی و مدد گرفتن از دیدگاه‌ها و نظریات شاعران چیره‌دستی، چون خاقانی، منوچهری، و بالاخص نظامی - که ضمن خلق تصاویر شاعرانه و خیال‌انگیز می‌کوشد با آوردن شواهد و دلایل ملموس به چرایی پرسش‌ها پاسخ داده و ذهن مخاطبش را اقناع سازد - ما نیز تا حد امکان پاسخ مناسبی به سؤالات داده باشیم.

(۴) پیوند ماه و خورشید در باورهای کهن و نجوم امروز

در باور اخترشناسان کهن، خورشید مذکر، اما در باور ایرانیان، مؤنث است. حال آنکه در احکام علم نجوم، ماه و زهره مؤنث و بقیه سیارات مذکر است. در نمادشناسی اسطوره‌ای و در آیین‌های رازآمیز کهن، ماه با زن در پیوند استوار بوده و گاه آن را در نشانه رازوارانه گاو نشان می‌داده‌اند. «از سوی دیگر خورشید در پیوند با مرد شمرده می‌شده است و نشانه رازوارانه آن شیر بوده است.» (کوزای، ۱۳۷۶: ۱۸۶)

مادینگی، از آن روی که در آن‌چه می‌کند و از وی در وجود می‌آید، بر خویش استوار نیست و وابسته به نرینگی است، حال‌هایی دگرگون دارد و زمان‌مند است و دارای آغاز و انجام. وارونه نرینگی که چون بر خویشتن استوار است، دگرگونی نمی‌پذیرد و زمان‌مند نیست. این دو ویژگی گوهرین آشکارا در ماه که نماد مادینگی است و در خورشید که نماد نرینگی است، به نمود آمده است. ماه وابسته به خورشید است و فروغ خویش را از او می‌ستاند. از این روی، هر شب ریخت‌ورویی خاص دارد، اما خورشید همواره همان است که هست. دگرگونی در آن یک ریشه در سرشتگی‌اش و یکسانی و در این یک ریشه در سادگی‌اش دارد.

براین اساس و شواهد دیگر می‌توان در اثبات این نظریه کوشید و به چگونگی تأثیرات این دو سیاره در زندگی موجودات کره زمین پرداخت.

نظامی، در تشبیه و توصیف، دیدی شایسته و عمیق دارد. او به ظاهر شاعری داستان‌پرداز است که نگاهی فلسفی به شعر دارد، اما علاوه بر زیبایی ساختار کلامش، در محتوای داستان‌هایش، با تدبیرها و چاره‌جویی‌هایی لطیف، به طرح مسائلی می‌پردازد که در حقیقت بیان‌گر چیستی‌ها و چرایی‌هایی است که پیرامون زندگی انسان می‌گذرد، هم‌چنین در بیت فوق، موضوع پیوند ماه و خورشید و نظام آفرینش و شب و روز را که متأثر از این پیوند است، مطرح می‌سازد. به اعتقاد او این‌ها لاینفک‌های زندگی روزمره انسان است، که از پدیده‌های کیهانی تأسی می‌پذیرند و بدون آن‌ها چرخه هستی دچار نقصان می‌شود.

ازین فکرت که با آن ماه می‌رفت
چو ماه آن آفتاب از راه می‌رفت

(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

مطابق فرضیه کپرنیک، حرکت همیشگی خورشید در مدار مستقیم، منجر به چرخش سیارات هفت‌گانه، از جمله ماه، به گرد خود می‌شود. شاعر، با برهانی نمکین، به خروج ماه از مسیر مستقیم و قرار گرفتن در منازل بیست و هشت‌گانه که در اصل یکی از خصیصه‌های ذاتی ماه است، اشاره می‌کند. سخن‌دکتر کزازی در مطلب فوق - که اشاره به‌دگرگونی احوال ماه و مادینگی آن و از طرفی قرار گرفتن ماه در منازل بیست و هشت‌گانه دارد - نیز مؤید همین مطلب است.

منازل بیست و هشت‌گانه ماه به قرار زیر است:

۱) شرطان (شرطین)، ۲) بطین، ۳) ثریا (پروین، عقد ثریا، عقد پروین، خوشه پروین)، ۴) دبران، ۵) هقعه، ۶) ذراع، ۷) نثره، ۸) طرف، ۹) جبهه، ۱۰) زبره، ۱۱) صرفه، ۱۲) عوا، ۱۳) سماک، ۱۴) اعزل، ۱۵) غفر، ۱۶) زبانا، ۱۷) اکلیل، ۱۸) قلب، ۱۹) شوله، ۲۰) نعایم، ۲۱) بلده، ۲۲) سعدذابح، ۲۳) سعدبلع، ۲۴) سعدالسعود، ۲۵) سعدالخبیه، ۲۶) فرغ مقدم، ۲۷) فرغ مؤخر، ۲۸) رشا (بطن الحوت).

(ماهیار، ۱۳۷۸: ۱۵۳-۱۵۲)

منوچهری شاعر چیره‌دست طبیعت نیز به منازل بیست و هشت‌گانه ماه اشاره اجمالی دارد:

غریب از ماه والاتر نباشد
که روز و شب همی برد منازل

(منوچهری، ۱۳۷۸: ۱۰۲)

۵) کسوف و خسوف و بیولوژی انسان

زمانی که ماه میان خورشید و زمین حائل شود، پدیده طبیعی کسوف یا خورشیدگرفتگی حادث می‌شود. به‌گونه‌ای که مرکزیت هر سه، تقریباً در راستای یک خط مستقیم قرار می‌گیرد. در این حالت ساکنان زمین قرص ماه را طوری مشاهده می‌کنند که قسمتی یا تمام خورشید را پوشانده است. اگر کسوف کلی اتفاق

افتد، مدت زمان اندکی همه صفحه خورشید با ماه پوشانده می شود و در نقاطی که کسوف قابل رؤیت است، تأثیر محسوسی در روشنایی روز از خود به جا می گذارد. پدید آمدن خسوف نیز دو شرط اصلی دارد:

(۱) باید شب چهاردهم ماه قمری و ماه در حالت «بدر» تمام باشد.

(۲) ماه به یکی از دو عقده شمالی یا جنوبی برسد.

هم چنین شاعر بی بدیل طبیعت نیز، در تصاویر شاعرانه خود، ضمن سود جستن از صنعت تشبیه، به طرفی زیبا خواستار تبیین پدیده طبیعی کسوف است و در عین حال با شگردی هنرمندانه، در میان اجزا و عناصر تشکیل دهنده بیت، از نرگس و لاله سود می جوید. این گمان ایجاد می شود که گویا شاعر با قائل شدن وجه شبه تیرگی یا به گونه ای رنگ قرمز تیره، بین کسوف و رنگ گل لاله، خواهان به تصویر کشیدن پدیده کسوف است و از طرف دیگر، به رنگ دانه های موجود در گل ها و گیاهان و تأثیر آن ها از تابش نور مهتاب اشاره می کند. آن چه مسلم به نظر می رسد این است که شاعر، با آفرینش تصاویر رنگانگ شاعرانه می خواهد تأثیر پدیده های کیهانی - خصوصاً ماه و خورشید - را در زندگی روزمره موجودات بازگو کند.

نرگس، چون ماه در میان ثریا لاله، چون اندر کسوف گوشه فرقد

(منوچهری، ۱۳۷۸: ۶۷)

بدیهی است که ماه بر انسان از بسیاری طرق تأثیر می گذارد. عمل جاذبه ماه يك تأثیر مستقیم است، اما از بابت نور، ماه فقط واسطه ای است که شکوه خورشید را جلوه گر می سازد. (واتسن، ۱۳۸۸: ۶۴) به تعبیر دیگر مساحتی از ماه، که برای ما قابل رؤیت است، بستگی به موقعیت ماه نسبت به خورشید و زمین دارد. شکل های متغیر ماه دوره تناوبی را طی می کند که کمی طولانی تر از مدت زمان چرخش ماه به دور زمین است. طی این دوره تناوب، دو بار ماه، خورشید، و زمین، روی خطی مستقیم قرار می گیرد، در این صورت ماه زیر شعاع های خورشید پنهان می شود و چشم آدمی قادر به دیدن آن نیست. هنگامی که ماه کمی از آفتاب دور شود، نور خورشید بر قسمت کوچکی از آنکه در سمت زمین قرار دارد می تابد. در آن صورت ما شاهد «هلال» ماه هستیم. در روز هفتم يك چهارم ماه در نظر ساکنان زمین قابل رؤیت است که این حالت را «تربیع اول» می نامند. روشنایی ماه کم کم افزایش می یابد و در روز چهاردهم، نیمه مقابل زمین را به طور کامل می پوشاند و ماه به شکل دایره تمام یا «بدر» دیده می شود. پس از روز چهاردهم، کاهش نور در سمت دیگر آن آغاز می شود و با گذشت هفت روز به «تربیع دوم» می رسد. این دو زمان وقتی است که یا ماه کامل است یا هلال اول ماه را می بینیم، که در این صورت کشش جاذبه آن ها با يك دیگر، مدهای بزرگ را به وجود می آورد. (ماهیار، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۳۲)

در اشارت چنان نمود برید

که هلالی برآرد از شب عید

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۵۱)

چو بدر از جیب گردون سر برآورد

زمین عطف هلالی برسر آورد

(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۶۲)

کند بر من کنون عید آن مه نو

که کرد آشفته‌ای را یار خسرو

(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

نظامی، با خلق اشعار ناب و کاربردی، در حقیقت به مسائل اعتقادی و دینی مردم اشاره می‌کند که

رؤیت ماه شاکله اعتقاد و باور دینی مردم، در برگزاری اعیاد و مناسبات اجتماعی آنان است.

تناوب قمری که سؤمین ریتم اصلی حیات زنده است، در طرح‌های تاریخ تولد انسان نیز ظاهر می‌شود. رابطه میان ماه و تولد، آن چنان نزدیک است که در بعضی نقاط حتی ماه را «قابله بزرگ» می‌نامند. برای تحقیق در این مورد، دو نفر با نام یکسان «دکتر مناگر» اطلاعاتی درباره بیش از نیم‌میلیون تولدی که در بیمارستان‌های نیویورک، میان سال‌های ۱۹۴۸ میلادی به‌وقوع پیوسته، جمع‌آوری کرده‌اند. این مصادیق عظیم، از نظر آماری، به‌طرز روشن و معنی‌داری نشان می‌دهد که بیش‌تر تولدها در روزهایی انجام می‌گیرد که ماه رو به کوچک‌شدن می‌گذارد و نقطه اوج تولدها، درست بعد از «بدر» کامل و نقطه حسیض آن به هنگام هلال ماه جدید است. زایش‌های بسیار زیاد و غیرمنتظره‌ای درست در موقع مد دریا رخ می‌دهد. به‌بیانی دیگر، هرگاه که ماه مستقیم از بالای سر می‌گذرد، در تعداد تولدها افزایش ناگهانی ایجاد می‌کند، لذا خود جزر و مد‌های دریا نیست که انقباض ماهیچه‌های رحم را کنترل می‌کند، بلکه این ماه است که هردو را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شیمی دان بزرگ سوئسی «سوانته آره نیوس» تعداد ۱۱۸۰۷ دوره قاعدگی را ثبت و کشف کرده، که رابطه‌ای جزئی با گردش ماه دارد: شروع خون‌ریزی بیش‌تر در روزهایی است که ماه در حال بزرگ‌شدن است و بیش‌ترین تعداد آن‌ها درست شب قبل از ماه جدید اتفاق می‌افتد. (واتسن، ۱۳۸۸: ۵۹-۶۰)

ممکن است که این سؤال پیش‌آید که چرا مراحل بحرانی بیماری، در بیماران روانی، در هنگام کامل‌شدن ماه رخ می‌دهد و چرا خون‌ریزی در ماه کامل آسان‌تر اتفاق می‌افتد؟ باید گفت که بدن انسان حاوی بارهای الکتریکی است که می‌تواند ذره‌های اطراف را جذب و دفع کند. میدان حیاتی انسان، هنگام «بدر» کامل ماه، بار مثبت می‌گیرد و در این هنگام یون‌های منفی را به‌خوبی جذب کرده و بیش‌تر تحریک می‌کند. در روزگاری که حجامت درمان طبی رایج محسوب می‌شد، زمان آن هنگام تغییر وضعیت ماه از «بدر» به «تریع» بود، زیرا اطباء قدیم معتقد بودند که وقتی قرص ماه در حال کامل‌شدن است و مد شروع به بالا آمدن می‌کند، جاری‌شدن خون خطرناک است. این باور خرافی، امروز به یک باور حقیقی مبدل شده است، زیرا امروزه نیز پزشکان، در موارد ضروری، برای پایین آوردن فشارخون بیماران به انجام این کار مبادرت

می‌ورزند، بنابراین می‌توان به این نکته اشاره کرد که ماه علاوه بر ادارهٔ جزر و مد دریا، جریان خون بدن انسان را نیز کنترل می‌کند.

داستان سرای گنجه، آشکارا به تبیین پدیده‌های طبیعی و تأثیرات آن بر کرهٔ زمین می‌پردازد. در واقع، در بطن کلام، نگرش انسان را با توجه به افکار حاکم بر فضای آن روزگار به تصویر می‌کشد. نظامی می‌کوشد در خلال گفتار، نظمش، ضمن طفره رفتن از ابهام و اغراق، زیباترین قباب تشبیه را بر قاموس واژگانش بنشانند تا جوهرهٔ کلام خود را به منصفهٔ ظهور بنشانند و پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر محیطی را که روزگاری خرافی به نظر می‌آمد، اما امروزه به برکت پیشرفت دانش، به حقیقتی محض مبدل شده است، بر مخاطبانش گوش زد کند. در جای دیگر نظامی با آگاهی از همین باورداشت‌ها گفته است:

بدین تری که دارد طبع مهتاب نیارد ریختن بر دست من آب

(نظامی، ۱۳۸۸: ۲۵۹)

منوچهری نیز در این زمینه اشاره‌ای ظریف و دقیق دارد و بالا آمدن آب دریا را، بر اثر جاذبهٔ ماه و خورشید، زیرکانه در پشت صناعات ادبی (کنایه، مجاز، و تضاد) پنهان می‌کند تا خواننده را به تأمل وادارد و به گونه‌ای مؤید کلام نظامی است.

او این گونه می‌سراید:

ابر گهرشان را هر روز بیست بار خندیدن و گریستن و جزر و مد بود

(منوچهری، ۱۳۸۲: ۷۷)

وی در واقع، مخاطب را به چالش وامی‌دارد تا به نشانه‌های موجود در طبیعت و احوال ظاهری موجودات، اعم از انسان، حیوان، گیاهان، و حالات روحی آنان، با تعمق بیش‌تری بنگرد، که بدون اغراق، تحت تأثیر عناصر اقلیمی است. بنابراین در یک نگاه اجمالی به اندیشه‌های ادبی، می‌توان دریافت که مبین پیام واحدی در ارتباط با پدیدهٔ طبیعی جزر و مد است و بعد از گذشت قرن‌ها، از فحوای کلامشان، این گونه استنباط می‌شود که پدیده‌های طبیعی، بدون شك، زندگی روزمرهٔ انسان را تحت الشعاع فعالیت‌های خود قرار می‌دهد.

۶) تأثیر ماه بر چگونگی و ساختار فیزیولوژی اشیا و گیاهان

منوچهری در بیتی تأثیرات زیست‌محیطی ماه را بر گیاهان این گونه بیان می‌کند:

انگور سیاه است و چو ماه است و عجب نیست زیرا که سیاهی صفت ماهروان است

(منوچهری، ۱۳۷۸: ۶۰)

تیرگی و سیاهی صفت ماه رونده (سیار) است و به نوعی اشاره به نظر قدما دارد که گفته اند: «القمر جرم کمد»، یعنی ماه جسم تیره رنگی است. (منوچهری، ۱۳۷۸: ۶۴)

شاعر انگور را به ماه تشبیه کرده است و علت سیاهی انگور را از ماه می داند و در حقیقت با آوردن حسن تعلیل ناب، رنگ دانه های مختلف موجود در گل ها و گیاهان، شاخه های درختان، میوه ها، و هم چنین نضج و نمو میوه ها و بقولات را به تابش نور مهتاب نسبت می دهد.

نظامی در این باره با خاقانی اتفاق نظر دارد:

ز ماهش صد قصب را رخنه یابی چو ماهش رخنه ای بر رخ نمایی

(نظامی، ۱۳۸۸: ۴۴)

زده بر ماه خنده، بر قصب راه پرند آن قصب پوشان چون ماه

(همان: ۵۳)

وی معتقد است که ماه تاب باعث فرسایش پارچه کتان می شود و آن را می پوشاند. نظامی با درایت و چیره دستی تمام، ضمن بهره گیری از صناعات ادبی و به کار گرفتن واژگان فاخر، به نوعی از باورهای عامیانه نیز کمک می گیرد و اجازه نمی دهد که کلامش شیوه معمول را طی کند و بدین ترتیب در راستای کلامش، عقیده اش را نیز بیان می کند.

۸) ماه و سودازدگی

شب های مهتابی خاصیتی دارد که روی بعضی از مردم به صورت های شگفتی اثر می گذارد. لغت «ماه زده» ارتباط مستقیمی را میان ماه و دیوانگی القا می کند. در زبان های انگلیسی و فرانسه به دیوانگان «لونایتیک» یا همان «ماه زده» گفته می شود. برخی از دانشمندان معتقداند، چون ماه میدان مغناطیسی زمین را دگرگون می کند، این تغییرات بحران های روانی را در اشخاصی که تعادل روانی شان از قبل تاحدودی متزلزل بود، تشدید می کند. از سوی دیگر، دگرگونی و حال گردانی ماه آن چنان بوده است که پیشینیان بر آن بوده اند که ماه شیفتگی و آشفتگی سودازدگان را می افزاید، آنان را نیک می شوراند، و بر می آسوبد. «ماه شوریدگی» را در زبان لاتین، برگرفته از واژه «لونا» می دانند که در آن زبان - که به معنی ماه است - «لونایتیکوس» می نامند. ماه شوریدگی، ویژه آدمیان نبوده است. گاه اسبان نیز دست خوش دگرگونی های ماه شده و به گونه ای بدان دچار می آمده اند و بیمار می شده اند. (کوزلی، ۱۳۷۶: ۱۸۶)

برخی از دانشمندان معتقداند که چون ماه میدان مغناطیسی زمین را دگرگون می سازد، تغییرات بحران های روانی را در اشخاصی که تعادل روانی شان از قبل تاحدودی متزلزل بوده است، تشدید می کند.

در ادب پارسی نیز، از سودازدگان گاه سخن به میان آمده است، حتی این موضوع در باورهای عامیانه هم رایج بود و افراد معتقد بودند که با نَو شدن ماه بر دیوانگی دیوانگان افزوده می شود.

سخن سرای گنجه به دفعات در آثار خود با شیوایی و نکته‌سنجی دقیق این مسئله را یادآور شده است:

شیفتم چون خری که جو بیند	یا چو صرعی که ماه نو بیند	(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۷۴)
چراغ از نور من پروانه گردد	مه نو بیندم دیوانه گردد	(نظامی، ۱۳۸۸: ۲۵)
ملک چون جلوه دل خواه نو دید	تو گفتی دیو دیده ماه نو دید	

(همان: ۳۲۰)

ماه نو دید عدو بر علمش، شیفته شد ماه نو شیفته را بر سر سودا دارد

(همان: ۳۵)

۹) ماه (مه و قمر)

ماه نزدیک‌ترین و مأنوس‌ترین سیاره به زمین و ساکنان آن است و بعد از خورشید، بیش از همه اجرام آسمانی، بر زندگی، تفکر، و خیال‌پردازی انسان تأثیر گذاشته است. از لحاظ نجومی «قمر» سیاره تابع زمین است. مدت زمان حرکت وضعی آن ۲۷ روز است، بنابراین همواره یک طرف ماه به سوی زمین است. ماه، در اساطیر کهن ایران، نقش مهم و برجسته‌ای دارد. در آیین زردشتی، ماه پاس‌دار ستوران است و روز دوازدهم هر ماه شمسی، به نام او «روز ماه» نامیده می‌شود. «در بسیاری از نقاط ایران، به ویژه در نظر عامه، خورشید و ماه، زن و مرد و دل‌داده یک‌دیگر اند. لگه‌های چهره ماه اثر دست خورشید است که از روی حسادت، دست گل‌آلود خود را بر صورت او کشیده است. قدما معتقد بودند که نور ماه جامه کتان را سوراخ می‌کند و هم‌چنین چون دیوانه چشمش بر ماه افتد، آشفتگی اش افزون‌تر می‌شود. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه ماه) در میان دیگر اقوام کهن نیز به ماه - چون خورشید - توجه ویژه‌ای شده است. هندیان نصف هر ماه را روزه می‌گرفتند و بعد از طلوع ماه، طعام و شیر خالص می‌خوردند. در این حالت بر ماه نگرسته و حوائج خود را از او می‌خواستند و در حضور بت ماه، به رقص و آواز مشغول می‌شدند. در نجوم یونان باستان، تقسیم‌بندی جهان به دو قسمت «فلک ماه» و «فوق ملک ماه» انجام یافته است و در نجوم پهلوی، سی روز از برج را «ماه» می‌گفته‌اند. در فکر و شعر خاقانی «ماه» - چون خورشید - پرکاربرد و زیبایی‌آفرین است.

جست‌وجوی مشتاقانه و همه‌گیر «هلال ماه نو» در شب اول شوال - که نشانه به‌سر رسیدن ماه روزه و اعلام عید است - دلیل محتمل دیگری بر توجه شاعر، به این صورت ویژه ماه است. به‌ویژه که در اغلب موارد «ماه نو» و «هلال» را به‌گونه‌ای با «عید» پیوند می‌دهد. (مشهور، ۱۳۸۸: ۲۹)

۱۰) معرفی مختصر خورشید در علم نجوم و تصاویر مختلف آن در اشعار شاعران

خورشید نخستین کره آسمانی است که توجه ساکنان زمین را به خود جلب کرده، به طوری که منجر به پرستش خورشید و رواج آیین مهرپرستی در ایران و دیگر نقاط جهان شده است. خورشید یکی از میلیاردها

ستاره‌ای است که با جاذبه گرانشی خود اجرام منظومه شمسی را در مدارهایشان نگه می‌دارد. این ستاره در شاخه‌ای مارپیچی قرار دارد که برای ساکنان کره زمین به منزله تولید حرارت و روشنایی و منشأ به وجود آمدن مواد غذایی و رشد نباتات، تبخیر آب، و بسیاری از موارد دیگر است که انسان‌ها در زندگی روزمره خویش بدان نیاز دارند. خورشید در حرکت‌های ظاهری و قابل رؤیت در نیم کره شمالی از مشرق طلوع می‌کند. هنگام ظهر از نصف‌النهار می‌گذرد و شام‌گاه در مغرب غروب می‌کند. هر روز نزدیک به یک درجه در مدار خود پیش می‌رود و در مدت ۳۶۵ روز مدار خود را طی می‌کند و به پایان می‌رساند.

۱۱) تأثیرات خورشید

ما روی کره‌ای زندگی می‌کنیم که نه تنها در دو قطب آن فرورفتگی وجود دارد، بلکه در نیم کره جنوبی‌اش برآمدگی نیز وجود دارد، که همین برآمدگی مانع از گردی کامل آن می‌شود و تقریباً به شکل گلابی می‌ماند. این کره با سرعت ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت، از غرب به شرق، دور خود، و با بیش از شصت برابر این سرعت، دور خورشید می‌چرخد، اما شکل نامنظم زمین روی هردوی این حرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. مدت زمانی که لازم است تا زمین، یک دور کامل، حول محور خود بچرخد متغیر است و بستگی دارد که ما در فضا چه نقطه‌ای را به عنوان مبدأ اندازه‌گیری در نظر بگیریم، که اگر خورشید را به عنوان مبدأ انتخاب کنیم، یک دور کامل ۲۴ ساعت به طول می‌انجامد. واقعیت این است که پدیده حیات روی کره زمین تابع خورشید است و در نهایت موضوع به حضور یا غیاب نور خورشید منتهی می‌شود. یکی از تغییرات تکان‌دهنده و مخرب محیط که ممکن است روزی حیات با آن روبه‌رو شود، ناپدید شدن ناگهانی و غیرمنتظره خورشید است که اگر این حادثه رخ دهد، زندگی در زمین به پایان می‌رسد، چراکه این مسئله در مواقع نادری که کسوف کامل روی می‌دهد، کاملاً مشهود است و موجودات زنده دچار گیجی و سردرگمی می‌شود. در سطح خورشید پدیده‌های موقتی زیادی ظاهر می‌شود که با چشم غیر مسلح نیز تا حدودی قابل رؤیت است. این لکه‌ها که تقریباً به اندازه کره زمین هستند، «کلف یا لک و پس» نامیده می‌شوند و از آن به فعالیت‌های خورشیدی نیز تعبیر می‌شود. زمانی که لکه‌ها فعالیتشان گسترش می‌یابد، هوای خورشید طوفانی می‌شود و جو مغناطیسی زمین را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و در اذهان ناظران زمین تعبیرات عامیانه پیدا می‌کند. طبیعی است که این تعبیرات در محیله شاعران باریک‌بین نیز مصادیق شاعرانه، نظیر «چشم درد»، «آبله چشم»، «بیماری»، «تب‌زدگی»، «لرزه» و نظایر آن پیدا می‌کند. (ماهیار، ۱۳۷۸: ۲۱۵ و ۲۶۰)

«حتی گل‌ها در سال‌هایی که فعالیت لگه‌های خورشیدی زیاد است دیرتر شکوفه می‌زند و در سال‌هایی که خورشید ساکت‌تر است، از زمان شکفتن قبلی خود جلوتر می‌افتد.» (واتسن، ۱۳۸۸: ۴۷)

بعضی کوشیده‌اند که مختلف‌شدنِ وقتِ مهاجرتِ پرستوها یا رسیدنِ گندم و حتی انقلابات اجتماعی را با تغییرات «کلف‌ها» مربوط کنند، ولی هنوز نمی‌توان به‌طور قطع گفت که چنین ارتباطی واقعاً وجود دارد. (گامورف، ۱۳۰۴: ۹)

خورشید مستقیماً بر خون انسان اثر می‌گذارد. در سال‌هایی که فعالیت‌های خورشیدی شدت می‌یابد و جَو مغناطیسی زمین را دچار اختلال می‌کند، بیماری‌هایی، مانند لخته‌شدنِ خون و سلِ ریوی شیوع پیدا می‌کند. متخصصانِ فرانسوی قلب کشف کردند که ارتباط محکمی میان خورشید و انفارکسیون‌های قلب (سکته قلبی، ناشی از لخته خون) وجود دارد. همین‌طور براساسِ مطالعات انجام‌شده حلقه‌های سالانه درختان در زمان فعالیت‌های خورشیدی پهن‌تر می‌شود، بنابراین می‌توان گفت فیزیولوژی حاکم بر رفتار انسان می‌تواند نشئت‌گرفته از تأثیر مستقیم خورشید بر برخی از فعل و انفعالات شیمیایی بدن او باشد. (واتسن، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۶)

خاقانی در تصاویر شعری خود در این باره چنین می‌سراید:

دیده خورشید چشم‌درد همی داشت از حسد خاکِ سرمه‌زای صفاهان

لاجرم آنک برای دیده خورشید دست مسیح است سرمه‌سای صفاهان

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴)

شاعر گاه، با صحه گذاشتن بر باورهای عامیانه و گاهی با نگاه فلسفی و شاعرانه خود به بیان مکنونات ضمیرش درخصوص تأثیر خورشید بر زندگی انسان می‌پردازد و برای اینکه بتواند بر چاشنی کلامش بیفزاید، از استعاره و تشبیه استفاده می‌کند تا بر مذاق خوانندگان خوش‌تر بیاید و درحقیقت می‌خواهد این نکته را متذکر شود که انسان یک ساعت زنده خورشیدی محسوب می‌شود که بدون خورشید فاقد زندگی و زنده بودن است.

۱۲) تبخیر آب و تشکیل کانی‌ها با تابش اشعه خورشید

تبخیر آب دریا با نور خورشید و هدایت آن به جو زمین به‌صورت بخار سبب تشکیل ابر و در شرایط خاصی تبدیل به باران می‌شود. مجدداً باران به اعماق زمین باز می‌گردد و باعث جوشش چشمه‌سارها و نهرها می‌شود، که درنهایت سبب بقای حیوانات و انسان‌ها و رشد گیاهان و به‌ثمرنشستن درختان و ادامه چرخه حیات می‌شود. قداما معتقد بودند که از تأثیر تابش اشعه خورشید در اعماق زمین بخار به‌وجود می‌آید و در

شرایط خاصی این بخارها تغییر می‌کند و از دگرگونی آن فلزات و جواهرات تشکیل می‌شود. در باور نجوم «زر» از گران‌بهارترین فلزات است که منتسب به خورشید است و این چرخه تغییرات در خاک، به واسطه پرتو نور خورشید، به تکامل می‌رسد.

نظامی تصاویر گوناگونی از سنگ‌های قیمتی و کیمیاگری خورشید در اشعارش منعکس کرده و از صنعت تشبیه سود می‌جوید و به واسطه انتساب رنگ زرد به خورشید، آن را مانند نعل زردگونه‌ای فرض می‌کند که هنرش کیمیاگری و تبدیل خاک به زر و سنگ‌های قیمتی است. بار دیگر شاعر صراحتاً به تأثیر نیروهای کیهانی بر زمین اشاره می‌کند.

و این گونه می‌سراید:

چه عجب کآفتاب زَرین نعل

کوه را سنگ داد و کان را لعل

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۶)

کیسه زر بر آفتاب فشان

سنگ در لعل آفتاب نشان

(همان: ۴)

وانکه از آفتاب داشت خبر

زر بود او چه؟ از حمایل زر

(همان: ۱)

۱۳) نتیجه

انسان و سایر موجودات کره زمین، خواسته یا ناخواسته، برای ادامه زندگی، نیازمند ماه و خورشیداند. پدیده‌های کیهانی زندگی انسان را تحت الشعاع فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و باید این مسئله را پذیرفت که نظم حاکم در زندگی و افعال موجودات، به چگونگی عمل کرد آنان بستگی دارد. نظامی، در تصاویر شعری خود، هدف اصلی خویش را مثل هاله‌ای در میان سطور سروده‌های نغزش استتار کرده که این امر مستلزم درک وسیع و ژرفکاو عمیق در اندیشه‌های ادبی ایرانیان است و به‌گونه‌ای خواستار بیان تأثیر دو عنصر پُرفروغ ماه و خورشید، در زندگی موجودات کره زمین و اندیشه‌ها و باورهای آنان است. این موضوع را از زوایای گوناگون نگریده و در قالب تصاویر مختلف شعری عرضه داشته است.

کتابنامه

- ۱) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶)، *لغت نامه*، تهران: مروارید.
- ۲) کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۶)، *پرنیان پندار (جستارهایی در ادب و فرهنگ)*، تهران: روزنه.
- ۳) گامورف، ژوزف (۱۳۰۴)، *پیدایش و مرگ خورشید*، ترجمه احمد آرام، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، تهران: نیویورک.
- ۴) ماهیار، عباس (۱۳۸۲)، *شرح مشکلات خاقانی* (ثری تا ثریا)، کرج: جام گل.
- ۵) مشهور، پروین دخت (۱۳۸۸)، «ماه و خورشید در شعر خاقانی» فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۲۱، صص ۲۸-۴۵.
- ۶) منوچهری دامغانی (۱۳۸۲)، *دیوان*، تهران: زوار.
- ۷) _____ (۱۳۸۸)، *خسرو و شیرین*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: زوار.
- ۸) نظامی گنجوی، الیاس (۱۳۸۰)، *هفت پیکر*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: قطره.
- ۹) واتسن، لیال (۱۳۸۸)، *فوق طبیعت*، ترجمه شهریار بحرانی و احمد ارژومند، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰) خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۶۸)، *دیوان خاقانی*، دکتر ضیاء الدین سجادی، تهران: زوار، چاپ سوم.